



شرح دعای رجبیه – قسمت پنجم

امام عصر عجل الله تعالی فرجه، در ادامه میفرمایند: وَ أَرْكَاناً لِتَوْحِيدِكَ وَ آيَاتِكَ وَ مَقَامَاتِكَ الَّتِي لَا تَعْطِيلُ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ.

هر چیزی ارکانی دارد که تنها با وجود آنها برپاست و ماهیتش به آن اجزاء وابسته است. و از آن جمله توحید خداوند میباشد که بر چهار رکن استوار بوده و با شناخت و اقرار این چهار، توحید هر شخص کامل میگردد.

از یک نگاه چهار رکن توحید عبارت است از:

1- **توحید ذات:** یعنی خداوند را در ذاتش یگانه بدانیم و این توحید به نفی صفات از ذات محقق میگردد، چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام میفرمایند کَمَالُ تَوْحِيدِهِ نَفْيُ الصِّفَاتِ عَنْهُ.

2- **توحید صفات:** یعنی خداوند را در صفاتش واحدی بدانیم که شبیه ندارد و آن مقام لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ است.

3- **توحید افعال:** یعنی خداوند در مشیت خود واحد بوده و پروردگاری است که شریکی ندارد چنانکه میفرماید اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ ذَلِكَ مِنْ شَيْءٍ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ.

4- **توحید عبادت:** یعنی تنها خداوند را باید عبادت کنیم چنانکه میفرماید قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَقَّأُكُمْ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً وَ لَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ.

اکنون به جهت توحید کردن خداوند در این چهار رکن، لازم است او را بشناسیم چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند **أَوَّلُ الدِّينَانِ بِهِ مَعْرِفَتُهُ**، یعنی اول دینداری و خداپرستی شناخت اوست، اما شناخت خود او ممکن نیست زیرا هیچ مشعری از مشعرهای خلق به درک خداوند فایز نمیگردد چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام میفرمایند **كُلُّ مَا مِيزْتُمُوهُ بِأَوْهَامِكُمْ فِي أَدَقِّ مَعَانِيهِ فَهُوَ مَخْلُوقٌ مِثْلَكُمْ** مردود **إِلَيْكُمْ** یعنی آنچه را که شما تمیز بدهید به فهم هایتان به آن نازکتر فهم خود آن مخلوقی است مثل شما بر می‌گردد بسوی شما، و همچنین در مناجات العارفين میخوانیم **وَلَمْ تَجْعَلْ لِلْخَلْقِ طَرِيقًا إِلَى مَعْرِفَتِكَ إِلَّا بِالْعَجْزِ عَنْ مَعْرِفَتِكَ** یعنی برای خلق راهی برای شناخت خود قرار ندادی مگر به عجز از شناخت.

با این حال از ما معرفت خداوند و توحید او خواسته شده و حتی میبینیم که از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسیدند **هَلْ رَأَيْتَ رَبَّكَ حِينَ عَبَدْتَهُ**، یعنی آیا پروردگارت را حین عبادت دیده ای، حضرت میفرمایند **وَيْلَكَ مَا كُنْتُ أَعْبُدُ رَبًّا لَمْ أَرَهُ** یعنی وای بر تو، من خدایی که نبینم را عبادت نمیکنم، در حالی که خداوند میفرماید **لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ**.

پس عرض میکنم که خداوند خلق را تکلیف به امر محال نمیفرماید و از این جهت به آل محمد علیهم السلام ظاهر شده و ایشان را ارکان توحید خود قرار داده تا هر کس ایشان را شناخت خداوند را شناخته باشد چنانکه در زیارتشان میخوانیم **مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ وَمَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهَ** یعنی هر کس ایشان را شناخت پس همانا خدا را شناخته و کسی که جاهل به ایشان باشد و ایشان را نشناسد خدا را نشناخته و میخوانیم **السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ**. پس معرفت ایشان به مقام بیان توحید ذات است و به مقام معانی توحید صفات است و به مقام ابوابیت توحید افعال است و به مقام امامت توحید عبادت است و طریق دیگری برای شناخت و توحید خداوند نیست مگر از ایشان و احادیث بسیاری دالّ بر این موضوع است.

و اما به معنایی دیگر، چهار رکنی که توحید خداوند بر آن برپاست، عبارت است از شناخت خداوند و پیامبرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اوصیاء او (ائمه طاهرين عليهم السلام) و شیعه ایشان، چنانکه روایت شده و محصلش این است **أَنَّ أَرْكَانَ التَّوْحِيدِ أَرْبَعَةٌ، التَّوْحِيدُ الْحَقُّ، وَالْقَائِمُ بِهِ، وَالْحَافِظُ لَهُ وَالتَّابِعُ فِيهِ؛ وَالْقَائِمُ بِهِ هُوَ رَسُولُ اللَّهِ ص، وَالْحَافِظُ لَهُ هُوَ هُمْ عَلَيْهِمُ السَّلَام، وَالتَّابِعُ فِيهِ هُوَ شِيعَتُهُمُ الَّذِينَ هُمْ أَشْعَثُهُمُ عَلَيْهِمُ السَّلَام** و همچنین روایت حضرت عسکری (ع) از حدیث امیرالمؤمنین علیه السلام به طبیب یونانی: **بعد ما قال الطبيب ان كفرت بعد ما رأيت فقد بالغت في العناد و تناهيت في التعرض للهلاك اشهد انك من خاصة الله صادق في جميع اقوالك فامرني بما تشاء اطعك قال علي عليه السلام آمرك ان تفرد الله بالوحدانية و تشهد له بالجود و الحكمة و تنزهه عن العبث و الفساد و عن ظلم الاماء و العباد و تشهد ان محمدا الذي انا وصيه سيد الانام و افضل بريته في دارالسلام و تشهد ان عليا الذي اراك ما اراك و اولاك من النعم ما اولاك خير خلق الله بعد محمد رسول الله صلي الله عليه و آله و احق خلق الله بمقام محمد بعده و بالقيام بشرايعه و احكامه و تشهد ان اوليائه اولياء الله و ان اعدائه اعداء الله و ان المؤمنين المشاركين لك فيما كلفتك المساعدون لك علي ما به امرتك خيرة امة محمد صلي الله عليه و آله و صفوة شيعة علي عليه السلام** یعنی بعد از آنکه طبیب گفت اگر کافر شوم بعد از آنچه دیدم پس بتحقیق مبالغه در عناد کرده‌ام و بمنتهی درجه متعرض هلاک شده‌ام شهادت میدهم که تو از خاصان خداوندي و راستگوئي در جميع سخنانت پس امر بفرما مرا بآنچه میخواهي اطاعت میکنم تو را، فرمود علي عليه السلام امر میکنم تو را که تفريد کني خدا را بوحدانيت و

شهادت بدهی برای او به جود و حکمت و منزّه بدانی او را از عبث و فساد و از ظلم کنیزان و بندگان ، و شهادت دهی که محمدی که من وصی او هستم سید خلق و افضل آنها است در دار السلام و شهادت بدهی باینکه آن علی که نشان داد بتو آنچه نشان داد و انعام کرد بتو آنچه انعام کرد بهترین خلق خدا است بعد از محمد رسول خدا و احق خلق خدا است بمقام محمد بعد از او و بقیام بشرایع و احکام او ، و شهادت بدهی که اولیاء او اولیاء خدایند و اینکه دشمنان او دشمنان خدایند و اینکه مؤمنینی که شریک تو هستند در آنچه تکلیف بتو کردم و مساعد تو هستند بر آنچه تو را بآن امر کردم برگزیدگان امت محمدند صلی الله علیه و آله و صفوه شیعیان علی علیه السلام هستند.

حال در این نگاه نیز، ائمه علیهم السلام جمیع ارکانند، چرا که ایشان بنفسه ظهور نور خداوند بوده و حکایت او را میکنند، و هر کدام ایضاً حکایت نبوت را میکنند چرا که تمامی چهارده نفس مقدس یک نور و یک حقیقتند و همچنین شیعیان ایشان شعاع و نور ایشانند و مشخصاً منیر اصل و منشأ انوار خود میباشد.

بنابراین جمیع ارکان چهارگانه برای ائمه صلوات الله علیهم ثابت است و ایشانند جمیع اصول و شروط توحید، که شریک قرار دادن برای ایشان کفر و شرک به خداوند است، چنانکه امام صادق علیه السلام در معنی آیه شریفه لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ إِلَّا هُوَ إِلَهٌُ وَاحِدٌ میفرماید یَعْنِي بِذَلِكَ وَ لَا تَتَّخِذُوا إِمَامَيْنِ إِلَّا هُوَ إِمَامٌ وَاحِدٌ و رسول الله صلی الله علیه و آله پیرامون ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام میفرماید مَنْ تَرَكَ وَلَايَتَهُ كَانَ ضَالًّا مُضِلًّا وَ مَنْ جَحَدَ وَلَايَتَهُ كَانَ مُشْرِكًا یعنی هرکس ولایت او را رها نماید گمراه و گمراه کننده است و هر کس ولایت او را انکار کند مشرک است.

و اما فقره و آیات و مقامات، میتواند عطف به ابتدای دعا باشد به اینطور که اسئلك بمعانی جمیع ما یدعوك... و اسئلك بآياتك و مقاماتك یا اینکه عطف به معادن باشد، به این صورت که جعلتهم معادن كلماتك... و آیاتك و مقاماتك و چنین معنی کنیم که قرار دادی ایشان را معادن آیات و کلمات که اشاره به علت مادی بودن ایشان خواهد داشت چنانکه گذشت.

و آیه به معنی علامت و نشانه، مفرد آیات است که برای مشخص کردن مرز دو چیز و یا جهت استدلال و هدایت به سوی چیزی بکار میرود و از این جهت هنگامی که سخن از آیات خداوند میکنیم، بمعنای عام، مراد جمیع ملک و تمامی حالات آن است چرا که هر مخلوقی دلالت بر خالق داشته و هر حرکتی دلیل بر محرکی است.

اما هنگامی که عموم خلایق را آیه پنداشته و استدلال بر خداوند کنیم، تنها بر صفتی از صفات او مطلع میشویم نه خود او. مثلاً از وجود مخلوقات صفت خالقیت خداوند را در میابیم و از احیاء و اموات ایشان به محیی و ممیت پی برده و از نظم ملک، علم و حکمت او را میفهمیم، مانند آنکه از بنا تنها همینقدر درمیابیم که شخصی عالم به بنایی آن را ساخته و دیگر شناختی از خود بنا حاصل نمیکرد، یا اینکه وقتی به آهن سرخ شده نگاه کنیم فقط به حرارت و سرخی آتش پی میبریم نه به خود آتش.

بنابراین جهت معرفت به خود خداوند بایست آیات حقیقی و عظمی خداوند را مد نظر قرار دهیم که به تمام وجود نمایانگر او باشند چنانکه شعله نمایانگر آتش است و ایشانند آل محمد علیهم السلام چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام میفرماید مَا لِلَّهِ آيَةٌ أَكْبَرُ مِنِّي یعنی نیست برای خداوند آیه و نشانه ای بزرگتر

از من و امام باقر علیه السلام در آیه كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فرمودند يَعْنِي الْأَوْصِيَاءَ كُلَّهُمْ و امام صادق علیه السلام در معنی آیه شریفه كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا و آیه لَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ میفرمایند الْآيَاتُ الْأُئِمَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و همچنین پیرامون آیه يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ میفرمایند يَعْنِي يَوْمَ خُرُوجِ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ مِنَّا و در تفسیر آیه وَ مَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَ النَّذْرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ میفرمایند الْآيَاتُ هُمُ الْأُئِمَّةُ، وَ النَّذْرُ هُمُ الْأَنْبِيَاءُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

و از این قبیل احادیث بسیار است مبنی بر اینکه ائمه علیهم السلام آیاتی میباشند که حقیقتاً به تمام خود دلالت بر خداوند میکنند و برای شناخت خداوند راهی بجز ایشان نیست چنانکه در زیارت جامعه کبیره میخوانیم مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ وَ مَنْ وَحَّدَهُ قَبْلَ عَنْكُمْ وَ مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ، یعنی هرکس اراده خدا کرده ابتدا به شما می‌کند و هرکس بخواهد توحید خدا کند باید از شما قبول کند و هرکس قصد خدا کند باید رو به شما کند.

نکته دیگر اینکه این آیات عظمی نمایانگر ذات ظاهره خداوند هستند که حقیقت محمدیه (ص) باشد نه ذات غیب الغیوب، چنانکه امام رضا علیه السلام در معنی آیه وَ عَلَامَاتٌ هُمُ بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ میفرمایند النَّجْمُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ الْعَلَامَاتُ هُمُ الْأُئِمَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، اما آیت ذات غیبیه خداوند تنها ذات ظاهره و حقیقت محمدیه صلی الله علیه و آله است چرا که تنها کاملاً مطلق میتواند دلالت بر خداوند کامل مطلق داشته باشد و تنها ذات میتواند دلالت بر ذات نماید و این است معنی قول امیرالمؤمنین علیه السلام که میفرمایند يَا مَنْ دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ بِذَاتِهِ وَ تَنَزَّهَ عَنْ مُجَانَسَةِ مَخْلُوقَاتِهِ یعنی ای کسی که دلالت میکند بر ذاتش (غیبی) به ذاتش (ظاهره) و منزّه است از هم جنسی با مخلوقاتش.

و اما صفات، تنها دلالت بر تنزه ذات از ایشان دارند نه بیشتر، چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام میفرمایند لِشَهَادَةِ كُلِّ صِفَةٍ أَنَّهَا غَيْرُ الْمُوصُوفِ وَ شَهَادَةِ الْمُوصُوفِ أَنَّهُ غَيْرُ الصِّفَةِ.

و اما مقامات جمع مقام است به معنی محل قیام، و خداوند قائم بر جمیع خلق است چنانکه میفرماید أَمَّنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ وَ قِيَوْمٍ از اسماء اوست.

اما خداوند به جهت عدم سنخیت و ارتباط با خلق، در تمامی عوالم قائم مقامی برای خود قرار داد تا آنچه میخواست برای خلق آشکار کند به او آشکار شود، و آن قائم مقام، نفس مقدس رسول الله صلی الله علیه و آله است چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند أَقَامَهُ مَقَامَهُ فِي سَائِرِ عَوَالِمِهِ فِي الْأَدَاءِ یعنی خداوند حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله را در تمامی عوالم خود قائم مقام خود قرار داد در اداء، یعنی به او گفته که آنچه من باید ادا کنم بسوی بندگان و بسوی مردم تو ادا کن یعنی آنچه من از توحید ذات می‌خواستم و می‌خواهم برای خلق آشکار کنم تو آشکار کن و آنچه من از توحید افعال می‌خواستم و می‌خواهم برای خلق آشکار کنم تو آشکار کن و آنچه من از توحید عبادت خود می‌خواستم و می‌خواهم برای خلق آشکار کنم تو آشکار کن و آنچه از انوار عظمت و جلال و کبریای خود و علم و قدرت و حکمت و حیات و غنای خود از صفات خود و اسماء خود می‌خواستم و می‌خواهم برای خلق آشکار کنم تو همه را آشکار کن.

باری؛ ایشان ظهور خدا هستند به ذات و صفات و افعال خود چنانکه در مطالب قبل گذشت، و آشکار

کننده مراتب پنجگانه توحیدند که عبارت است از:

1- مقام لاهوت که مقام ذات ظاهره باشد و به مقام بیان خود آن را ظاهر نمودند.

2- مقام هویت که به مقام معانی آن را ظاهر نمودند.

3- مقام الوهیت که به مقام ابواب آن را ظاهر نمودند.

4- مقام احدیت که به مقام امامت آن را ظاهر نمودند.

5- مقام واحدیت که در مقام قطبیت خود آن را ظاهر نمودند.

جهت اطلاع بیشتر از مقامات خمسه توحید به کتاب شریف فطرة السليمه و ینابیع الحکمه مراجعه فرمایید.

و اما قول امام عجل الله فرجه که میفرمایند **لَا تَعْطِيلَ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ** یعنی آن آیات و مقامات در هیچ مکان غیبی و شهادی تعطیل نبوده و هیچ جایی را خالی نگذاشته اند بلکه ارکان تمام موجودات را پر کرده و در زمین ها و آسمان ها ظاهر شده اند چرا که اول ما خلق الله اند و سبقت وجودی بر جمیع موجودات دارند و این سبقت نه تنها زمانی بلکه سبقتی کلی و مطلق است چنانکه در توضیح [علت مادی بودن آل محمد علیهم السلام](#) گذشت و عرایض را در این مقام تکرار نمیکنم.

ادامه دارد...